

به همت شهرآرامحله مناطق ۳ و ۴ و کمک مردم صورت گرفت

اهدای ۴۰۰ جلد کتاب به کتابخانه‌های منطقه



شهرآرامحله از ماکتاب‌هایی داریم که در کتابخانه‌های شخصی و کاری مان، مدت‌ها جا خوش کرده و از آخرین باری که مطالعه و تورق شده‌اند، دست‌کم ماه‌ها می‌گذرد. این واقعیت را که بگذاریم در کنار نیاز کتابخانه‌های منطقه به منابع جدید، به اقدامی می‌رسیم که هفته پیش از سوی تحریریه شهرآرامحله مناطق ۳ و ۴ انجام شد و اهدای چهار صد جلد کتاب به کتابخانه‌های منطقه، نتیجه آن بود.

● صاحبان جدید کتاب‌ها

حدود ۵۰۰ جلد کتاب بخشی از کتاب‌های اهدا شده، مربوط به کتابخانه دفتر شهرآرامحله بود که پیش از این، از سوی مخاطبان شهرآرامحله و به رسم قدرشناسی، اهدا شده بود. بیش از ۳۵۰ جلد دیگر دیگر از منابع یاد شده نیز از سوی مخاطبانی اهدا شد که در جریان فراخوان مقرر گرفتند و کتاب‌های خود را به نیت تجهیز کتابخانه‌ها، در اختیارمان قرار دادند. کتاب‌های گردآوری شده به تناسب موضوع ورده سنی مخاطب، به کتابخانه امام خمینی^(ره) در محله خواجه ربیع و نیز کتابخانه فرهنگ سرای انقلاب اسلامی در محله پنجتن اهدا شد. مسئولان مدرسه ابتدایی شهید محمدزاده در محله پنجتن که از مهر امسال، تصمیم به تأسیس کتابخانه در مدرسه خود گرفته‌اند نیز از کتاب‌های یاد شده برای افتتاح آن استفاده کردند.

● فراتر از هفته کتاب

هفته کتاب و کتاب خوانی به پایان

رسیده است اما فعالیت‌های مرتبط با این حوزه را نباید به یک هفته از سال، محدود کرد. اعتقاد به این جمله برای استمرار برنامه‌های بازدید از کتابخانه‌های فعال در منطقه ۳ و ۴، کافی است. برنامه‌ای که از اواخر ماه گذشته به ابتکار شهرآرامحله مناطق ۳ و ۴ آغاز و به حضور در پنج کتابخانه وابسته به آستان قدس رضوی، نهاد کتابخانه‌های عمومی و شهرداری مشهد در محلات بلال، شهید قربانی، خواجه ربیع و پنجتن منجر شد.

گفت و گو با مسئولان و کتابداران کتابخانه‌های یاد شده، شنیدن مشکلات صنفی و محیطی، میزان استقبال اهالی و وضعیت منابع کتابخانه، برخی محورهای این گفت و گوها بود که این هفته با حضور در سایر کتابخانه‌های منطقه، تکمیل شد.



● هر کتابخانه، یک ویژگی

کتابخانه مردمی امیرحسین فردی در محله رده، مقصد یکی از این بازدیدها بود؛ کتابخانه‌ای که یازده سال است بدون کوچک‌ترین حمایت دولتی، و صرفاً با حمایت مردم، سرپا مانده است. ۱۱ هزار و ۹۲۲ عنوان کتاب دارد و به ۵ هزار و ۹۳۳ عضو خود، خدمت ارائه می‌کند و طرح‌هایی مثل پویش «خرماهای کاغذی» برای ترغیب مردم به اهدای کتاب به نیت عزیزان ازدست‌رفته‌شان، تنها یکی از ابتکارات این کتابخانه است که باعث شده این مکان را از دیگر کتابخانه‌های منطقه، متمایز کند.

کتابخانه آیت... شیخ مجتبی قزوینی در محله فاطمیه، دیگر مقصد بازدیدهای ما بود. مجموعه‌ای با ۲ هزار و ۱۴۰ مترمربع زیربنا که در دل خود، تنها کتابخانه ویژه نایب‌ان شهر، وابسته به آستان قدس رضوی که جای داده است؛ با ۱۳ هزار و ۵۰۰ جلد کتاب به صورت فایل صوتی برای ۲۵۰ عضو نایب‌انای کشور که به صورت مجازی، ارسال می‌شود. دیگر اعضای این خانواده بزرگ با ۴۲ هزار عضو نیز از ۱۰۸ هزار جلد کتاب کاغذی استفاده می‌کنند.

کتابخانه شیخ عباس تربتی در محله مهر مادر نیز ویژگی خاص خود را دارد. آن‌طور که مسئولان کتابخانه به ما گفتند، بآلودن سطح منابع کتابخانه موجب شده است جوانان و بزرگسالان با تحصیلات حداقل دیپلم، به این کتابخانه، مراجعه کنند و از ۴۴ هزار کتاب آن استفاده کنند. تعداد اعضا به ۱۳ هزار نفر بالغ می‌شود که بیش از پنجاه درصد آن‌ها، فعال هستند.

نوجوان محله عباس آباد از خاطره تلخ و عبرت آموزش می‌گوید

وقتی حریف را دست‌کم گرفتم



فقط می‌دانم هر دوشان را خیلی دوست دارم و می‌خواهم تا آخرش ادامه بدهم.

● آخرش یعنی تا کجا؟

برای نیوکونگ فو، می‌خواهم به مسابقات جهانی بروم و افتخار به دست بیاورم. مربی بشوم و باشگاه بزنم. توی طراحی هم همین آرزو دارم و دلم می‌خواهد آن قدر کارم خوب باشد که بتوانم به بقیه درس بدهم.

● شیرین‌ترین افتخاری که به دست آوردی، چه بوده است؟

در زمینه طراحی، هنوز در مسابقه‌ای شرکت نکردم و ساعت‌هایی که روی یک چهره وقت می‌گذارم، برایم خیلی شیرین است، به ویژه اگر نتیجه خوب در بیاورد. در ورزش، از بین ۱۰۰ مدالی که به دست آوردم، شش تا طلا هستند. از همه بیشتر، طلای مسابقات کشوری ام را دوست دارم که مهر امسال به دست آوردم، بعد از مبارزه با دو حریف قدر.

● در کنار این شیرینی‌ها، خاطره تلخی هم در ذهنت مانده است؟

خاطره‌ای که می‌گویم اولش تلخ بود ولی الان برایم عبرت شده است. مسابقه کشوری در ارومیه را شرکت کردم. قد حریفم کوتاه‌تر از من بود. او را دست‌کم گرفتم و اتفاقاً شکست هم خوردم. این شکست باعث شد فقط مدال برنز به دست بیاورم. خیلی گریه کردم و دلم نمی‌خواست دیگر به تمرین برگردم. بعد که آرام شدم، دیدم تقصیر خودم بوده است و نباید حریفم را دست‌کم می‌گرفتم. اشتباهم را در مسابقات بعدی، جبران کردم. برای همین، مدال طلایی که مهر امسال به دست آوردم بعد از این شکست، برایم خیلی شیرین بود.

خوب است. از باشگاه که برمی‌گردم، هر قدر هم که خسته باشم اول تکالیفم را انجام می‌دهم، بعد می‌خواهم.

● در زمینه دیگری هم علاقه‌مندی داری؟

از بچگی به نقاشی علاقه داشتم. پارسال تصمیم گرفتم کلاس بروم و درست یاد بگیرم. دو روز در هفته طراحی می‌کنم؛ قبلاً فقط نقاشی فانتزی بود اما الان مدتی است که دارم طراحی چهره کار می‌کنم.

● ورزش رزمی و هنر طراحی، شباهتی دارند؟

من شباهتی بین این دو تارشته نمی‌بینم. یکی مبارزه دارد، آن یکی هنر لطیفی است.



● آشنایی‌ات با رشته نیوکونگ فو چطور اتفاق افتاد؟

پدرم دان دو همین رشته را دارد و وقتی کوچک‌تر بودم، در یک باشگاه، هنرجو داشتم. گاهی من را هم با خودش به آنجا می‌برد. تمرین دیگران را که می‌دیدم خوشم آمد و از هشت سالگی، ورزشم را شروع کردم.

● از برنامه تمرین‌هایت بگو.

سه روز در هفته، از ساعت ۶:۳۰ تا ۸ شب می‌روم به باشگاه و زیر نظر خانم شهید احمدی، تمرین می‌کنم.

● رفتن به مدرسه، انجام تکالیف و در کنار آن، ورزش حرفه‌ای، خسته‌کننده نیست؟

اصلاً. من واقعا این رشته را دوست دارم. درس خواندن را هم دوست دارم و نمراتم خیلی